



مدحقوق



دوره ۸ - شماره ۲۶ - زمستان ۱۴۰۴

تحلیل مسئولیت بانک گشاینده در حقوق اعتبارات اسنادی

همایون مافی، محسن رئیسی

نقش هوش مصنوعی در بهبود فرآیندهای تحقیق کیفری و تحلیل شواهد دیجیتال در نظام حقوقی ایران

امیررضا محمودی، زهرا رهنما

بازخوانی تعهدات قراردادی در شرایط تورم شدید؛ تحلیلی از ظرفیتهای تعدیل در حقوق ایران

شیمیا شکوری بلقور، قاسم نبی زاده کبریا

آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در قبال جرائم بقی، محاربه و افساد فی الارض در پرتو مفهوم امنیت ملی و ثبات سیاسی کشور

روح الله شیخی، محمد محمودی

چهارچوب مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های تفریحی پرخطر؛ مطالعه اتاق‌های فرار

رحیم مختاری، غلامحسین کشاورز

دعاوی ناشی از مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران

سیدمحمدباقر حقایقی، محمدرضا نصیری، امیرحسین ابوالحسنی

تحلیل جرم‌شناختی جرایم حوزه رمزارزها: مطالعه کلاهبرداری‌های رایج در ایران

حسین محمودی تکانلو، رویا آسیایی

راهبردهای پیشگیرانه از جرم رانت خوری در سیاست کیفری ایران با تأکید بر چالش‌ها و خلأهای جرم‌شناختی

فاضل موحدی، حمیدرضا کناری زاده، داود سلمانپور

واکاوی اصل تناسب میان جرم و مجازات در ساختار دیوان کیفری بین‌المللی

حسن پیرفلک لسکوکلایه، طیبه قدرتی سیاهمزی

توافق طرفین قرارداد در تعیین ادله اثبات دعوا

حبیب اله عبدالله پور، مهدی شجاعی

عملکرد دادگاه‌های کیفری در پیشگیری از جرم: با نگاهی به جرم‌شناسی انتقادی و تمرکز بر نظام قضایی ایران

ایرج مروتی، نغمه فرهود

مسئولیت دولت‌ها در قبال تروریسم بین‌المللی و دیپلماسی ضدتروریسم

مسعود سرفرازی صالح، مهدی قره داغی

پایان حکمرانی متمرکز: تحلیل ظهور حکمرانی غیرمتمرکز در عصر بلاکچین و قراردادهای هوشمند

هادی زارع، مجید وزیری

تحلیل تطبیقی حمایت‌های جبرانی تأمین اجتماعی در قبال خسارت بدنی و دامنه شمول زیان‌دیدگان در ایران و انگلستان

زینب تاری

انتقال دعاوی در نظام حقوقی ایران با تأکید بر مقررات و ماده‌های منتخب قانون ثبت اسناد و املاک

امیررضا علی تبار

جایگاه هوش مصنوعی در پهنه سیاستگذاری جنایی

محبوبه طالبی رستمی

تعهد به ایمن‌سازی داده‌ها به‌عنوان تعهد به نتیجه یا تعهد به وسیله در حقوق خصوصی

سیدامیرحسین مصطفوی

مسئولیت کیفری شرکت‌های فناوری در قبال جرائم ارتكابی کاربران

وحید کیومرثی

مسئولیت مدنی ناشی از پردازش خودکار داده‌های شخصی توسط هوش مصنوعی در حقوق ایران و افغانستان

(با نگاهی به اسناد بین‌المللی)

راضیه جعفرزاده، وحید حمیدی، محمدرضا رشید

بررسی تأثیر آگاهی حقوقی و شفافیت در پیشگیری و کاهش فساد اداری و مالی

سیده مهشید میری بالاچورشری

مالکیت داده‌های شخصی در حقوق خصوصی؛ از حق شخصیت تا مال غیرمادی

سینا یوسفی

مسئولیت مدنی پزشکی و سازنده ربات در جراحی‌های رباتیک نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان

ابراهیم شیروانی

تحلیلی بر مسئله أخذ خسارت تأخیر تادیه از محکوم به دولتی

محمد مهدی رضوانی فر، زهرا سلیمی

آثار حقوقی و اداری تملک بر وضعیت ثبتی املاک در نظام حقوقی ایران

احسانه وثوقی منفرد، محمد وارسته بازقلعه

دیپلماسی اقتصادی و حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی؛ تعامل سیاست و حقوق در تأمین منافع ملی

رادمهر رحمانی گل افشان

پذیرش تشخیص تقلب مبتنی بر هوش مصنوعی در بانکداری: نقش اعتماد، شفافیت و ادراک انصاف در موسسات مالی در

ایران، امارات متحده عربی و قطر

عبدالمجید یوسفی

جرم‌شناسی جنگ در واقعیت‌های کنونی و لزوم توسعه آن در اوکراین

یاسر شاکری



Ownership of Personal Data in Private Rights; from Personality Right to Intangible Property

مالکیت داده‌های شخصی در حقوق خصوصی؛ از حق شخصیت تا مال غیرمادی

Sina Youseffi

Master's student in Private Law, Faculty of Literature and Humanities, Imam Reza International University, Mashhad, Iran

سینا یوسفی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران

s.sinayousefi81@gmail.com

Abstract

The ownership of personal data in private law is one of the complex issues that have given rise to new legal challenges following the expansion of the digital space and new technologies. The main question is whether personal data should be considered as intangible property or should it be protected by personality rights? This issue becomes important when personal data not only serves as a means of identifying individuals, but also as an economic resource for companies in the digital world. The hypothesis of this research is based on the fact that personal data can be considered as personality rights and immaterial property at the same time, but to realize this, precise legal frameworks must be developed to determine how to own, use, and protect them. In this regard, important questions are raised that require careful consideration: should a person own his data and be able to have full control over it? Or do commercial entities, which collect and process this data, have the right to use and exploit it? The answer to these questions requires a comparative study of different laws in the field of private law. In particular, regulations such as the EU General Data Protection Regulation, which protect individual rights against misuse of data, can be appropriate models for national legislation. Finally, the aim of this research is to achieve a balance between the rights of individuals in privacy and the economic benefits resulting from the use of data, which can create a coherent and efficient legal framework.

Keywords: Ownership of Personal Data, Personality Rights, Intangible Property, Privacy, Data Protection.

چکیده

مالکیت داده‌های شخصی در حقوق خصوصی، یکی از مسائل پیچیده و روزافزون است که در پی گسترش فضای دیجیتال و فناوری‌های نوین به چالش‌های حقوقی جدیدی دامن زده است. پرسش اصلی در این زمینه این است که آیا داده‌های شخصی باید به‌عنوان مال غیرمادی در نظر گرفته شوند یا این که باید تحت حمایت حقوق شخصیت قرار گیرند؟ این مسئله به‌ویژه زمانی حائز اهمیت می‌شود که داده‌های شخصی نه تنها به‌عنوان ابزاری برای شناسایی افراد، بلکه به‌عنوان یک منبع اقتصادی برای شرکت‌ها و سازمان‌ها در دنیای دیجیتال عمل می‌کنند. فرضیه این پژوهش بر این اساس استوار است که داده‌های شخصی می‌توانند به‌طور هم‌زمان به‌عنوان حقوق شخصیت و مال غیرمادی در نظر گرفته شوند، اما برای تحقق این امر باید چهارچوب‌های حقوقی دقیقی برای تعیین نحوه مالکیت، استفاده و حفاظت از آن‌ها تدوین گردد. در این راستا، پرسش‌های مهمی مطرح می‌شود که نیازمند بررسی دقیق هستند: آیا فرد باید مالک داده‌های خود باشد و بتواند کنترل کاملی بر آن‌ها داشته باشد؟ یا این که نهادهای تجاری که این داده‌ها را جمع‌آوری و پردازش می‌کنند، حق استفاده و بهره‌برداری از آن‌ها را دارند؟ پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم بررسی تطبیقی قوانین مختلف در حوزه حقوق خصوصی است. به‌ویژه مقرراتی چون قانون حفاظت از داده‌های عمومی اتحادیه اروپا که حقوق فردی را در برابر سوءاستفاده از داده‌ها حمایت می‌کند، می‌تواند الگوهایی مناسب برای تنظیم قوانین ملی باشد. در نهایت، هدف از این پژوهش، دستیابی به تعادلی میان حقوق افراد در حفظ حریم خصوصی و منافع اقتصادی ناشی از استفاده از داده‌ها است که بتواند چهارچوبی قانونی منسجم و کارآمد ایجاد کند.

واژگان کلیدی: مالکیت داده‌های شخصی، حقوق شخصیت، مال غیرمادی، حریم خصوصی، حفاظت از داده‌ها.

ارجاع:

یوسفی، سینا؛ (۱۴۰۴)، مالکیت داده‌های شخصی در حقوق خصوصی؛ از حق شخصیت تا مال غیرمادی، تمدن حقوقی، شماره ۲۶.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

مالکیت داده‌های شخصی در حقوق خصوصی یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی در عصر دیجیتال به شمار می‌آید. در دنیای کنونی که داده‌ها به یکی از منابع اصلی اقتصادی و اطلاعاتی تبدیل شده‌اند، پرسش‌های پیرامون نحوه مالکیت و حفاظت از این داده‌ها مطرح است. از یک سو، داده‌های شخصی به‌عنوان بخشی از حقوق شخصیت افراد باید تحت حمایت قرار گیرند، چرا که این داده‌ها به‌شکلی عمیق با هویت، رفتار و ویژگی‌های فردی افراد در ارتباط هستند. از سوی دیگر، این داده‌ها به‌طور فزاینده‌ای در فرآیندهای تجاری، تبلیغاتی و تحلیل‌های داده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند و به نوعی به‌عنوان یک منبع اقتصادی و غیرمادی در نظر گرفته می‌شوند که می‌تواند انتقال و بهره‌برداری از آن‌ها در سطوح مختلف اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی موجب سودآوری برای نهادها و شرکت‌ها شود. در این میان، پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان توازنی میان حقوق فردی در زمینه حفظ حریم خصوصی و منافع تجاری در بهره‌برداری از این داده‌ها برقرار کرد؟ در حقیقت، قوانین و مقررات موجود باید به‌گونه‌ای تدوین شوند که ضمن حفظ حق مالکیت فردی بر داده‌های شخصی، اجازه بهره‌برداری منصفانه و متوازن از این داده‌ها را نیز فراهم آورند.

برای پاسخ به این چالش‌ها، برخی نظام‌های حقوقی مانند اتحادیه اروپا با ایجاد مقرراتی نظیر

«قانون عمومی حفاظت از داده‌ها»^۱ سعی در تعیین چهارچوب‌هایی برای حمایت از حقوق افراد در برابر سوءاستفاده از داده‌های شخصی دارند. این قوانین که بر اصولی چون شفافیت، رضایت آگاهانه و محدودیت در جمع‌آوری و استفاده از داده‌ها تأکید دارند، می‌توانند به‌عنوان یک مدل مناسب برای کشورهای دیگر در نظر گرفته شوند.

در این راستا، یکی از پرسش‌های کلیدی در حوزه حقوق خصوصی این است که آیا داده‌های شخصی باید صرفاً تحت عنوان حقوق شخصیت فرد که به حفاظت از هویت، شرافت و آزادی‌های فردی مربوط می‌شود، قرار گیرند، یا این که می‌توان آن‌ها را به‌عنوان یک مال غیرمادی که قابلیت انتقال، فروش و استفاده اقتصادی دارد، شناسایی کرد؟ این پرسش‌ها علاوه بر تحلیل جنبه‌های حقوقی، نیازمند بررسی دقیق‌تر چالش‌های عملی و فناورانه‌ای است که در دنیای دیجیتال به‌طور مستمر در حال تحول هستند. بنابراین، تدوین چهارچوب‌های حقوقی مؤثر در زمینه مالکیت داده‌های شخصی نه تنها مستلزم یک رویکرد حقوقی دقیق است، بلکه نیازمند همکاری بین‌المللی و تطبیق قوانین با تحولات فناوری در سطح جهانی می‌باشد تا از این طریق، حقوق فردی و منافع تجاری به‌طور هم‌زمان در چهارچوبی هماهنگ و منسجم حفاظت شوند.

۱- مالکیت داده‌های شخصی در حقوق خصوصی: چالش‌ها و چهارچوب‌های قانونی

مفهوم مالکیت در حقوق خصوصی ایران، به‌طور سنتی بر سلطه انحصاری شخص بر مال استوار بوده و عمدتاً ناظر بر اموال مادی و محسوس تلقی شده است. با این حال، تحولات ناشی از گسترش فناوری‌های نوین و شکل‌گیری فضای دیجیتال، این برداشت کلاسیک از مالکیت را با چالش‌های بنیادین مواجه ساخته است. داده‌های شخصی، به‌عنوان اطلاعاتی که مستقیماً به هویت، وضعیت و ویژگی‌های فردی اشخاص مربوط می‌شوند، در این چهارچوب نه به‌سادگی در زمره اموال مادی قابل طبقه‌بندی‌اند و نه به‌طور کامل از قلمرو حقوق مالی خارج می‌گردند. در حقوق مدنی، مالکیت

به‌عنوان حقی جامع و مطلق تعریف شده است، اما این اطلاق، همواره مقید به حدود قانونی، اخلاقی و اجتماعی بوده است (امامی، ۱۴۰۳، ۲۹). از این رو، پرسش از امکان شمول مفهوم مالکیت بر داده‌های شخصی، مستلزم بازخوانی مبانی نظری مالکیت در حقوق خصوصی است.

از سوی دیگر، داده‌های شخصی واجد پیوندی عمیق با شخصیت انسانی‌اند و همین امر، اعمال قواعد سنتی مالکیت بر آن‌ها را با دشواری مواجه می‌سازد. حقوق شخصیت در نظام حقوقی ایران، هرچند به‌صورت پراکنده و غیرمدون، موردشناسایی قرار گرفته و ناظر بر حمایت از کرامت، حیثیت و حریم خصوصی اشخاص است. یکی از حقوقدانان با تفکیک میان حقوق مالی و غیرمالی، تأکید می‌کند که حقوق مرتبط با شخصیت انسان، اصولاً غیرقابل اسقاط و انتقال‌اند و هدف از شناسایی آن‌ها، حمایت از ذات انسانی است نه ایجاد قابلیت دادوستد (صفایی و حسینی، ۱۴۰۴، ۴۱). در این چهارچوب، داده‌های شخصی به‌مثابه امتداد شخصیت فرد، نمی‌توانند بدون قید و شرط موضوع تملک و بهره‌برداری اقتصادی قرار گیرند، امری که چالش اساسی حقوق خصوصی در مواجهه با اقتصاد داده‌محور را شکل می‌دهد.

با این حال، توسعه نظریه‌های جدید در حوزه اموال غیرمادی، افق تازه‌ای برای تحلیل حقوقی داده‌های شخصی گشوده است. یکی از حقوقدانان با بررسی مبانی نظری مالکیت فکری در فقه اسلامی، نشان می‌دهد که مفهوم مال در حقوق اسلامی و حقوق خصوصی، منحصر به اشیای مادی نبوده و هر چیزی که دارای منفعت عقلایی و ارزش اقتصادی مشروع باشد، می‌تواند در زمره اموال قرار گیرد (حکمت‌نیا، ۱۳۸۳، ۱۱۲). بر این اساس، داده‌های شخصی از حیث ارزش اقتصادی و قابلیت بهره‌برداری، واجد ویژگی‌هایی هستند که امکان تحلیل آن‌ها به‌عنوان مال غیرمادی محدود را فراهم می‌آورد، هرچند این تحلیل ناگزیر باید با ملاحظات حقوق شخصیت و حریم خصوصی همراه گردد.

در نهایت، چالش اصلی در تبیین مالکیت داده‌های شخصی در حقوق خصوصی، فقدان چهارچوب قانونی صریح و منسجم است. در حالی که در حوزه مالکیت معنوی، قانون‌گذار با شناسایی حقوقی خاص و محدود برای پدیدآورندگان آثار فکری، نوعی تعادل میان منافع شخصی و اجتماعی

ایجاد کرده است (میرحسینی، ۱۴۰۳، ۲۳)، داده‌های شخصی همچنان در وضعیتی میان‌مرزی قرار دارند. یکی از حقوق‌دانان با تأکید بر ضرورت تبیین مبنای مالکیت فکری، هشدار می‌دهد که گسترش بی‌ضابطه مفهوم مالکیت می‌تواند به تضعیف حقوق بنیادین انسان بینجامد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۴، ۱۵). از این رو، تدوین چهارچوب‌های قانونی در این حوزه باید به گونه‌ای باشد که ضمن شناسایی منافع اقتصادی داده‌ها، از استحاله حقوق شخصیت در منطق بازار جلوگیری کند.

۲- از حق شخصیت تا مال غیرمادی: تحلیل حقوقی مالکیت داده‌های شخصی

داده‌های شخصی در نخستین سطح تحلیل، به واسطه پیوند وثیق با هویت، شأن و موجودیت انسان، در قلمرو حقوق شخصیت قرار می‌گیرند. حقوق شخصیت در حقوق خصوصی و حقوق اسلامی ناظر بر حقوقی است که موضوع آن‌ها خود انسان و شئون وجودی او است و نه اشیای خارجی. در این چهارچوب، حق بر نام، حیثیت، حریم خصوصی و تمام اطلاعاتی که بازتاب‌دهنده وضعیت فردی اشخاص است، واجد ماهیتی غیرمالی و حمایتی تلقی می‌شود. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه با تبیین مبانی حقوق اسلامی، تصریح می‌کند که حقوق ناظر بر شخصیت انسان، اصولاً غیرقابل نقل و انتقال بوده و هدف از شناسایی آن‌ها، صیانت از کرامت انسانی است، نه ایجاد قابلیت مبادله اقتصادی (ابراهیمی، ۱۴۰۲، ۱۰۱). از این منظر، داده‌های شخصی در بدو امر نه مال، بلکه موضوع حمایت حقوقی محسوب می‌شوند.

با این حال، محدود کردن تحلیل داده‌های شخصی به حوزه حقوق شخصیت، قادر به تبیین کامل واقعیت‌های حقوقی و اقتصادی عصر دیجیتال نیست. تحول مفهوم دارایی در حقوق خصوصی نشان می‌دهد که ارزش اقتصادی لزوماً به مادی بودن موضوع حق وابسته نیست. داده‌های شخصی نیز در ساختارهای اقتصادی نوین، به‌ویژه در تحلیل‌های داده‌محور، تبلیغات هدفمند و تصمیم‌سازی‌های کلان، واجد چنین منافع شده‌اند و همین امر، تحلیل آن‌ها را به عنوان مال غیرمادی اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. فقه امامیه نیز ظرفیت نظری قابل توجهی برای پذیرش حقوق غیرمادی فراهم کرده است. یکی از

حقوقدانان با بررسی قواعد فقهی حاکم بر حقوق مدنی، بیان می‌کند که «حق» و «منفعت» مفاهیمی اعتباری‌اند که می‌توانند به موضوعاتی غیر از اعیان خارجی تعلق گیرند، مشروط بر آن که نفع عقلایی و مشروع در آن‌ها احراز شود (محقق داماد، ۱۴۰۴، ۵۸). بر این اساس، داده‌های شخصی می‌توانند به‌عنوان موضوع حق موردشناسایی قرار گیرند، اما این شناسایی به‌هیچ‌وجه به معنای اطلاق مالکیت و سلطه نامحدود نیست، بلکه همواره مقید به ملاحظات اخلاقی، شرعی و انسانی خواهد بود.

مسئله مهم دیگر در گذار از حق شخصیت به مال غیرمادی، قابلیت تنظیم روابط قراردادی درباره داده‌های شخصی است. در حقوق قراردادهای، اصل آزادی قراردادهای به اشخاص اجازه می‌دهد روابط خود را تنظیم کنند، اما این آزادی مطلق نیست و همواره در چهارچوب قواعد آمره و حقوق غیرقابل اسقاط اشخاص اعمال می‌شود. برخی از حقوقدانان با تحلیل قراردادهای در فقه امامیه تأکید می‌کنند که قراردادهایی که منجر به سلب جوهری حقوق شخصی یا نقض کرامت انسانی شوند، حتی با رضایت ظاهری طرفین، فاقد مشروعیت‌اند (محقق داماد و همکاران، ۱۴۰۳، ۱۳۲). از این رو، قراردادهای ناظر بر بهره‌برداری از داده‌های شخصی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که ماهیت شخصیتی این داده‌ها را مخدوش نسازند.

در این راستا، الگوی «مجوز بهره‌برداری» به‌عنوان راهکاری میانه میان حق شخصیت و مال غیرمادی قابل توجه است. یکی از حقوقدانان در بررسی قراردادهای مجوز بهره‌برداری از مالکیت صنعتی نشان می‌دهد که در این نوع قراردادهای، دارنده حق، مالکیت اصلی را حفظ می‌کند و تنها اجازه استفاده محدود، مقید و زمان‌مند را به دیگری اعطاء می‌نماید (محمودی، ۱۳۸۶، ۱۶۷). تعمیم این الگو به داده‌های شخصی امکان آن را فراهم می‌کند که فرد، کنترل بنیادین خود بر داده‌ها را حفظ کرده و درعین حال، بهره‌برداری اقتصادی مشروع و کنترل‌شده از آن‌ها امکان‌پذیر شود. تحلیل مالکیت داده‌های شخصی به‌عنوان مال غیرمادی، بدون توجه به مبانی عدالت و حقوق بنیادین انسان، تحلیلی ناقص خواهد بود. یکی از حقوقدانان با تأکید بر پیوند میان حقوق طبیعی و حقوق بشر، هشدار می‌دهد که تقلیل حقوق انسانی به ارزش اقتصادی، خطر استحاله عدالت و کرامت انسانی را در پی

دارد (موحد، ۱۴۰۴، ۵۱). از این رو، گذار از حق شخصیت به مال غیرمادی درباره داده‌های شخصی باید در چهارچوبی محدود، تنظیم شده و انسان محور صورت گیرد تا هم الزامات اقتصاد دیجیتال پاسخ داده شود و هم بنیان‌های حقوق انسانی محفوظ بماند.

۳- حفاظت از داده‌های شخصی در دنیای دیجیتال: توازن میان حقوق فردی و منافع اقتصادی

تحول دیجیتال و گسترش فناوری‌های مبتنی بر داده، موجب شده است که داده‌های شخصی به یکی از مهم‌ترین عناصر شکل‌دهنده روابط حقوقی، اقتصادی و اجتماعی در عصر حاضر تبدیل شوند. داده‌های شخصی نه تنها بازتاب‌دهنده ابعاد مختلف هویت انسانی‌اند، بلکه در ساختار اقتصاد دیجیتال، به‌عنوان منبعی راهبردی برای تولید ارزش اقتصادی، تحلیل رفتار مصرف‌کنندگان و هدایت تصمیمات تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرند. این وضعیت، تعارضی بنیادین میان ضرورت حمایت از حقوق فردی و تمایل نظام‌های اقتصادی به بهره‌برداری حداکثری از داده‌ها ایجاد کرده است. در فلسفه حقوق غرب، حق به‌عنوان امری محدودکننده در برابر سلطه منطلق صرفاً اقتصادی تعریف می‌شود و هدف آن، حفظ کرامت و خودآیینی انسان است (Stanford, 2005). از این منظر، حفاظت از داده‌های شخصی پاسخی حقوقی به خطر تبدیل انسان به ابزار تولید سود تلقی می‌شود.

در ادبیات حقوق مالکیت فکری، اگرچه داده‌های شخصی به‌طور سنتی ذیل مصادیق کلاسیک مالکیت فکری قرار نمی‌گیرند، اما از حیث غیرمادی بودن، قابلیت انتفاع اقتصادی و وابستگی به فعالیت انسانی، دارای شباهت‌های اساسی با دارایی‌های فکری هستند. یکی از حقوقدانان با تمایز میان مالکیت فکری و مالکیت مادی، تأکید می‌کند که موضوعات غیرمادی به دلیل پیوند با شخصیت انسان، همواره با محدودیت‌های حمایتی همراه‌اند و نمی‌توان آن‌ها را همچون اشیای مادی در معرض تملک مطلق قرار داد (Hachette, 2001). داده‌های شخصی نیز دقیقاً در همین نقطه قرار می‌گیرند؛ زیرا بهره‌برداری بی‌قید از آن‌ها می‌تواند به نقض حریم خصوصی، آزادی اراده و حق تعیین سرنوشت اطلاعاتی افراد منجر شود.

از منظر فقه اسلامی، مفهوم «حق» جایگاهی محوری در تحلیل روابط میان اشخاص و منافع آنان دارد. یکی از فقها با تفکیک دقیق میان «حکم» و «حق»، حق را امری اعتباری می‌داند که برای تأمین مصلحت خاصی جعل شده و قابلیت نقل، اسقاط یا تحدید آن تابع ضوابط عقلایی و شرعی است (سمیعی، ۱۳۸۶، ۲۱۴). بر این اساس، داده‌های شخصی را می‌توان در زمره حقوق دانست که به‌منظور حفظ مصلحت انسان و صیانت از شئون شخصیتی او به رسمیت شناخته می‌شوند. بنابراین، هرگونه بهره‌برداری اقتصادی از این داده‌ها باید در چهارچوب همان مصلحت اولیه تفسیر شود و نه در تعارض با آن.

تحلیل لغوی و فلسفی مفهوم «حق» نیز این برداشت را تقویت می‌کند. ابن فارس، با بررسی ریشه واژه «حق»، آن را به معنای ثبوت، استقامت و لزوم می‌داند و تأکید می‌کند که حق در برابر امر موهوم یا باطل قرار می‌گیرد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۲۴۳). این معنا نشان می‌دهد که حق، پیش از آن که مفهومی اقتصادی باشد، حامل بار ارزشی و هنجاری است. از این‌رو، حقوق فردی مرتبط با داده‌های شخصی را نمی‌توان صرفاً بر اساس معیارهای سود و زیان اقتصادی تفسیر کرد، بلکه باید آن‌ها را به‌عنوان حقوقی ثابت و مقدم بر منافع تجاری موردشناسایی قرار داد.

با این حال، فقه امامیه به‌طور مطلق منکر بهره‌برداری اقتصادی از منافع غیرمادی نیست. یکی از فقها، با تحلیل معاملات مربوط به حقوق و منافع، تصریح می‌کند که هر منفعت عقلایی، در صورتی که مستلزم ظلم، غرر یا اضرار به غیر نباشد، می‌تواند موضوع معامله قرار گیرد (انصاری، ۱۴۱۱ق، ۸). این دیدگاه، امکان بهره‌برداری اقتصادی از داده‌های شخصی را مشروط به رعایت رضایت معتبر، شفافیت و عدم نقض حقوق اساسی افراد می‌سازد. بنابراین، فقه اسلامی نیز همانند حقوق معاصر، رویکردی مشروط و تنظیم‌گرا نسبت به بهره‌برداری از داده‌ها اتخاذ می‌کند. حل تعارض میان حقوق فردی و منافع اقتصادی در حوزه داده‌های شخصی، نیازمند رویکردی مبتنی بر موازنه و تعادل است. یکی از حقوق‌دانان با طرح «تئوری موازنه»، بر این نکته تأکید می‌کند که حقوق خصوصی باید میان منافع متعارض، تعادلی عقلانی و منصفانه برقرار سازد، به‌گونه‌ای که هیچ‌یک به‌طور مطلق فدای دیگری نشود (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۱، ۹۲). در پرتو این نظریه، حفاظت از داده‌های شخصی در دنیای

دیجیتال نه به معنای نفی اقتصاد داده، بلکه به معنای تنظیم آن در چهارچوب کرامت انسانی، عدالت و عقلانیت حقوقی است.

۴- مالکیت داده‌ها در حقوق خصوصی: بین حریم خصوصی و بهره‌برداری تجاری

در دهه‌های اخیر، با گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ظهور زیست دیجیتال، داده‌های شخصی به یکی از مهم‌ترین دارایی‌های انسانی و اقتصادی تبدیل شده‌اند. این داده‌ها نه تنها معرف هویت، رفتار، گرایش‌ها و ویژگی‌های فردی هستند، بلکه قابلیت تحلیل و بهره‌برداری در مقیاس‌های وسیع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را نیز دارند. چنین وضعیتی حقوق خصوصی را با چالشی بی‌سابقه مواجه کرده است؛ چرا که داده‌ها از یک سو متعلق به فرد و بخشی از حقوق شخصیت او هستند و از سوی دیگر، قابلیت تبدیل به مال غیرمادی با ارزش اقتصادی قابل توجه را دارند.

در این چهارچوب، پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان میان حق فرد بر کنترل داده‌های شخصی و منافع اقتصادی ناشی از بهره‌برداری از آن‌ها توازنی ایجاد کرد؟ نظریه‌های کلاسیک مالکیت در حقوق مدنی، مانند آن چه یکی از حقوقدانان بیان کرده است، سلطه و انحصار بر مال را محور می‌دانند، اما داده‌ها، ماهیت غیر ملموس و قابلیت بهره‌برداری چندسطحی دارند و بنابراین نیازمند بازخوانی مفهوم مالکیت در قالب‌های نوین حقوقی و فقهی هستند (صفایی و حسینی، ۱۴۰۴، ۴۵). همچنین این تحول، ضرورت تدوین مقرراتی را نشان می‌دهد که هم حقوق شخصیت افراد را حفظ کند و هم امکان بهره‌برداری اقتصادی مشروع و منصفانه را فراهم آورد، زیرا داده‌های شخصی به‌عنوان سرمایه انسانی و دیجیتال، یکی از منابع اصلی ارزش‌آفرینی در اقتصاد مدرن به شمار می‌آیند. در حقوق مدنی سنتی ایران، مالکیت عمدتاً بر اساس سلطه فرد بر عین مادی تعریف می‌شود. یکی از حقوقدانان در این زمینه تأکید می‌کند که مالکیت نوعی رابطه حقوقی است که فرد را نسبت به مال خود دارای حق انحصاری و اختیار تصرف می‌کند، اما این اختیار مطلق نیست و محدودیت‌هایی چون مصلحت عمومی و عدم اضرار بر آن حاکم است (امامی، ۱۴۰۳، ۳۳). با توجه به این مبنای داده‌های

شخصی که فاقد عین مادی هستند، اما قابلیت کنترل، انتساب و بهره‌برداری اقتصادی دارند، از منظر سنتی خارج از مفهوم مالکیت قرار می‌گیرند. باین‌حال، بازخوانی حقوق مدنی و ترکیب آن با نظریه‌های مالکیت فکری، امکان‌شناسایی نوعی مالکیت بر داده‌های غیر ملموس و وابسته به شخصیت فرد را فراهم می‌کند. این مالکیت باید هم‌زمان شامل حق کنترل، حق بهره‌برداری محدود و حق جلوگیری از سوءاستفاده باشد، به گونه‌ای که فرد همچنان بتواند بر داده‌های خویش تسلط داشته باشد و از منافع اقتصادی آن‌ها نیز بهره‌برد.

فقه اسلامی نیز می‌تواند مبنای نظری قوی برای تحلیل مالکیت داده‌های شخصی فراهم کند. در فقه امامیه، مالکیت با مشروعیت، رعایت کرامت انسان و منع اضرار توأم است، به گونه‌ای که سلطه فرد بر مال، به‌ویژه اموالی که منشأ انسانی دارند، مطلق نیست (ابراهیمی، ۱۴۰۲، ۱۱۸). از این منظر، داده‌های شخصی را می‌توان متعلق حقی دانست که ناشی از شخصیت و وجود فرد است و بهره‌برداری از آن بدون رضایت مشروعیت ندارد. این تحلیل، مبنای منطقی ایجاد توازن میان بهره‌برداری اقتصادی از داده‌ها و حقوق فردی است، زیرا هیچ نظام حقوقی منصفانه‌ای نمی‌تواند داده‌های شخصی را صرفاً کالای تجاری بداند و کرامت و حق فرد را نادیده بگیرد. به عبارت دیگر، داده‌ها نه صرفاً ابزار اقتصادی‌اند و نه صرفاً بخشی از شخصیت؛ بلکه ترکیبی از هر دو هستند که قوانین مدرن و فقهی باید آن را بازشناسی کنند.

در نظریه‌های مالکیت معنوی، اموال غیرمادی به‌عنوان موضوع حقوق انحصاری قابل‌شناسایی‌اند. یکی از حقوق‌دانان با تحلیل مبنایی مالکیت فکری بر اساس فقه اسلامی نشان می‌دهد که مالیت، تنها وابسته به عین مادی نیست و می‌تواند مبتنی بر ارزش اقتصادی و قابلیت انتفاع مشروع شکل گیرد (حکمت‌نیا، ۱۳۸۳، ۱۶۰). داده‌های شخصی اگرچه محصول خلاقیت ذهنی به معنای کلاسیک نیستند، اما قابلیت انتساب، کنترل و بهره‌برداری دارند و بنابراین می‌توان آن‌ها را در زمره اموال غیرمادی ویژه‌ای قرار داد که پیوند تنگاتنگی با حقوق شخصیت دارند. چنین رویکردی، امکان تدوین قواعدی برای بهره‌برداری مشروع و محدود از داده‌ها را فراهم می‌آورد، به گونه‌ای که هم

مالکیت فرد محفوظ بماند و هم بهره‌برداری اقتصادی ممکن شود. با توجه به ارزش اقتصادی داده‌ها، شرکت‌های فناوری محور تلاش می‌کنند مالکیت و بهره‌برداری انحصاری از آن‌ها را به دست آورند. این وضعیت باعث بروز تعارض میان حقوق فردی و منافع اقتصادی می‌شود. یکی از حقوقدانان با تأکید بر کرامت انسانی و حقوق طبیعی، هشدار می‌دهد که تقلیل انسان به منبع استخراج ارزش اقتصادی، مشروعیت حقوقی و اخلاقی نظم اجتماعی را زیر سؤال می‌برد (موحد، ۱۴۰۴، ۹۴).

بنابراین، اگر داده‌های شخصی بدون چهارچوب قانونی و قراردادهای محدود قابل بهره‌برداری باشند، حقوق شخصیت افراد به خطر می‌افتد. از این رو ضروری است مقرراتی طراحی شود که هم حق کنترل فرد را تضمین کند و هم بهره‌برداری اقتصادی مشروع و متوازن را امکان‌پذیر سازد، در قالب قواعد فقهی و حقوق مدنی.

قواعد فقهی، ابزار قدرتمندی برای تنظیم این توازن فراهم می‌آورند. قاعده لاضرر بهره‌برداری زیان‌بار از داده‌ها را منع می‌کند و قاعده تسلیط حق فرد بر شئون شخصی خود را به رسمیت می‌شناسد (محقق داماد، ۱۴۰۴، ۲۱۹). به این ترتیب، حقوق اسلامی امکان بهره‌برداری محدود و مشروع از داده‌ها را فراهم می‌کند، به شرط آن که آسیبی به فرد وارد نشود و کرامت انسانی رعایت شود. چنین چهارچوبی نه تنها با مبانی فقهی و اخلاقی هماهنگ است، بلکه امکان مدیریت حقوق دیجیتال و جلوگیری از تمرکز قدرت داده‌ای در اختیار نهادهای بزرگ اقتصادی را نیز فراهم می‌آورد.

در سطح قراردادهای خصوصی، داده‌های شخصی می‌توانند موضوع «واگذاری منفعت» قرار گیرند، بدون آن که مالکیت واقعی انتقال یابد. برخی از حقوقدانان با تحلیل حقوق قراردادها در فقه امامیه، نشان می‌دهند که واگذاری منفعت مستقل از عین، مشروع و قابل اجرا است (محقق داماد و همکاران، ۱۴۰۳، ۷۲). بنابراین، فرد می‌تواند مجوز استفاده محدود از داده‌های خود را به یک شرکت اعطاء کند، اما کنترل اصلی بر داده‌ها را حفظ کند. این مدل قراردادی، الگوی عملی مناسبی برای تنظیم روابط داده‌محور است و تضمین می‌کند که بهره‌برداری اقتصادی به ضرر حقوق فردی تمام نشود. نظریه‌های مالکیت فکری نیز بر اهمیت تفکیک میان «مالکیت» و «مجوز بهره‌برداری» تأکید

دارند. یکی از حقوقدانان تصریح می‌کند که انتقال کامل حق همواره لازم نیست و اعطای مجوز محدود می‌تواند هدف بهره‌برداری مشروع را تحقق بخشد (میرحسینی، ۱۴۰۳، ۵۸). در مورد داده‌های شخصی، این مدل به افراد امکان می‌دهد نظارت مستمر بر نحوه استفاده از داده‌های خود داشته باشند و از تمرکز بیش از حد قدرت اقتصادی در دست شرکت‌ها جلوگیری شود. این امر، به نوعی تضمین‌کننده عدالت و حفاظت از حقوق شخصیت افراد در محیط دیجیتال است.

علاوه بر این، داده‌های شخصی نباید صرفاً با معیارهای اقتصادی تحلیل شوند. داده‌ها بازنمایی دیجیتال انسان‌اند و تعرض به آن‌ها به معنای تعرض غیرمستقیم به حقوق فردی و کرامت انسانی است. بنابراین، هر رویکرد حقوقی که تنها جنبه سودآوری داده‌ها را در نظر بگیرد، با اصول عدالت و حقوق طبیعی مغایرت دارد. مالکیت داده‌ها در حقوق خصوصی نیازمند رویکردی ترکیبی و چندلایه است که هم حقوق شخصیت و کنترل فرد را حفظ کند و هم امکان بهره‌برداری اقتصادی مشروع را فراهم آورد. این مدل، مبتنی بر مالکیت محدود و مقید است که اصل تعلق داده‌ها به شخص را محترم می‌شمارد و بهره‌برداری را تنها با رضایت، شفافیت و رعایت قواعد عدم اضرار مجاز می‌داند. چنین الگویی نه تنها با مبانی حقوق مدنی و فقه امامیه سازگار است، بلکه چهارچوبی عملی برای مدیریت داده‌ها در عصر دیجیتال ارائه می‌کند و تضمین‌کننده توازن میان کرامت انسانی و توسعه اقتصادی است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۴، ۳۹).

۵- مقررات بین‌المللی و نقش آن‌ها در حفاظت از داده‌های شخصی: یک نگاه حقوق

در عصر جهانی شدن و توسعه فناوری‌های دیجیتال، مسئله حفاظت از داده‌های شخصی نه تنها یک دغدغه داخلی بلکه یک موضوع مهم بین‌المللی شده است. مقررات بین‌المللی و اسناد جهانی تلاش می‌کنند چهارچوبی مشترک برای تعیین حقوق و مسئولیت‌های افراد و نهادها فراهم کنند، به گونه‌ای که تعادل میان بهره‌برداری اقتصادی و حق حریم خصوصی افراد حفظ شود. در نظام حقوقی مدرن، مالکیت و کنترل داده‌های شخصی با مفهوم سنتی مالکیت متفاوت است؛ زیرا این داده‌ها هم‌زمان

جنبه‌ای غیرمادی، اقتصادی و هویتی دارند (Beaglehole, 1931, 30).

با تحلیل روان‌شناختی اجتماعی مالکیت نشان می‌دهد که تعلق فرد به دارایی نه صرفاً جنبه فیزیکی دارد بلکه با ادراک اجتماعی، انتخاب و امکان تصرف رابطه مستقیم دارد؛ این نظریه به ما کمک می‌کند درک کنیم که مالکیت داده‌ها، اگرچه مادی نیست، از نظر اجتماعی و حقوقی مشروعیت دارد (Clarke & Kohler, 2005, 52). همچنین، با بررسی تطبیقی قوانین مالکیت در کشورهای مختلف، بر اهمیت تعریف دقیق حقوق و محدودیت‌های بهره‌برداری از داده‌ها تأکید دارند، زیرا در غیاب چنین چهارچوب‌هایی، سوءاستفاده تجاری از داده‌های شخصی افراد به آسانی ممکن می‌شود. داده‌ها در عصر دیجیتال به گونه‌ای تبدیل شده‌اند که کنترل فرد بر آن‌ها محدود و شکننده است و این امر ضرورت تدوین استانداردهای بین‌المللی را برای حفظ حقوق مالکیت و حریم خصوصی نشان می‌دهد. از منظر فقهی و حقوق اسلامی نیز، حفاظت از مالکیت و منع ضرر به دیگران از اصول اساسی است (انصاری، ۱۴۱۱ق، ۱۱۹) و این اصول می‌تواند در طراحی مقررات بین‌المللی برای داده‌های شخصی به کار گرفته شود. به عبارت دیگر، حفاظت بین‌المللی از داده‌های شخصی نه تنها جنبه اقتصادی بلکه جنبه اخلاقی، انسانی و هویتی دارد، زیرا داده‌ها بازنمای هویت فردی هستند و تعرض به آن‌ها نوعی تعرض به حقوق بنیادین و کرامت انسانی محسوب می‌شود. با این نگاه، نظام حقوقی بین‌المللی باید هم‌زمان حقوق شخصیت، مالکیت و بهره‌برداری مشروع را در نظر گیرد تا تعادل میان منافع فردی و منافع اقتصادی حاصل شود (Domingo, 2017, 15).

در تحلیل حقوق اموال در روم باستان نیز نشان می‌دهد که مالکیت اموال غیرمادی، از جمله حقوق ناشی از فردیت و هویت، همواره نیازمند تبیین قواعد مشخص برای حفاظت و انتقال مشروع بوده است؛ این رویکرد تاریخی می‌تواند به طراحی چهارچوب‌های مدرن بین‌المللی برای حفاظت از داده‌های شخصی کمک کند. در نهایت، ایجاد قوانین بین‌المللی منسجم و همگرا در زمینه مالکیت و بهره‌برداری از داده‌های شخصی، می‌تواند علاوه بر تأمین حقوق فردی، زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و نوآوری در سطح جهانی باشد، بدون آن که حق حریم خصوصی و کرامت

انسانی افراد قربانی سودآوری کوتاه مدت شود.

یکی از مهم‌ترین اصول در مقررات بین‌المللی حفاظت از داده‌های شخصی، شفافیت در جمع‌آوری، پردازش و نگهداری داده‌ها است. اتحادیه اروپا، به‌عنوان نمونه بارز، صراحتاً بر ضرورت اطلاع‌رسانی کامل به فرد و کسب رضایت آگاهانه او تأکید دارد (Helling, 2004, 20). این اصل، با تأکید بر خودمختاری فرد و کنترل شخصی بر داده‌های خود، ارتباط نزدیکی با نظریه‌های کلاسیک مالکیت و حقوق طبیعی دارد، به‌ویژه در چهارچوب تئوری‌های عدالت و کرامت انسانی که کانت و دیگر فیلسوفان اخلاقی مطرح کرده‌اند (Carus, 1915, 242).

در همین راستا، دعاوی مربوط به سوءاستفاده از داده‌ها در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که فقدان شفافیت می‌تواند منجر به تضییع حقوق فردی و ایجاد نابرابری اقتصادی شود (Beaglehole, 1931, 45). همچنین، تأکید می‌کند که حق مالکیت نه تنها محدود به تصرف فیزیکی بلکه شامل کنترل اجتماعی و روانی نیز هست و بنابراین داده‌های شخصی، اگرچه غیرمادی هستند، باید از منظر حقوق بین‌الملل از حمایت مشابهی برخوردار شوند. در نظام حقوقی اسلامی، مفاهیمی چون حرمت ضرر و حق تصرف مشروع نیز می‌توانند پایه‌ای برای توجیه مقررات بین‌المللی محسوب شوند (انصاری، ۱۴۱۱ق، ۱۲۰). علاوه بر این، کشورهای با رویکردهای متفاوت، نیازمند هماهنگی بین‌المللی هستند تا از برخورد سلیقه‌ای در حقوق مالکیت و داده‌ها جلوگیری شود و یک استاندارد جهانی برای محافظت از اطلاعات شخصی ایجاد شود (Clarke & Kohler, 2005, 59).

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که بین حق مالکیت، حقوق شخصیت و مقررات بین‌المللی همپوشانی وجود دارد، زیرا داده‌های شخصی هم به‌عنوان دارایی اقتصادی و هم به‌عنوان بازنمای هویت افراد عمل می‌کنند (Gupta, 2021, 18). این داده‌ها می‌توانند منبع ارزش اقتصادی برای شرکت‌ها باشند، اما استفاده ناعادلانه از آن‌ها بدون رضایت فرد، نوعی تضییع حقوق و تعرض به حریم خصوصی محسوب می‌شود (Friedman, 1971, 81). با بررسی آثار اقتصادی مالکیت و بازار، نشان می‌دهد که استفاده غیرمجاز از دارایی‌های غیرمادی، مانند داده‌ها، می‌تواند نه تنها زیان فردی بلکه اختلالات

گسترده اقتصادی ایجاد کند. در مقررات بین‌المللی، توازن میان حق مالکیت فردی و منافع تجاری یک چالش اساسی است و به همین دلیل نهادهایی مانند اتحادیه اروپا تلاش کرده‌اند چهارچوب‌های منعطف و منسجمی ارائه دهند که هم حفاظت فردی را تضمین کند و هم بهره‌برداری مشروع اقتصادی را ممکن سازد (Mckenna, 2005, 102).

از منظر حقوق تطبیقی، کشورهای مختلف بسته به رویکرد حقوقی و فلسفی خود، مرزهای متفاوتی برای مالکیت داده‌ها تعیین کرده‌اند، اما همگی بر اصل اساسی احترام به کرامت و حقوق فردی توافق دارند (Domingo, 2017, 17). همچنین، تأکید دارد که در قوانین روم باستان، مالکیت غیرمادی نیازمند قاعده‌مند کردن استفاده و انتقال بوده و این تجربه تاریخی می‌تواند در تدوین مقررات مدرن مفید باشد. بنابراین، مقررات بین‌المللی باید ضمن حفظ مالکیت و حق تصمیم‌گیری فرد، امکان استفاده مشروع و منصفانه از داده‌ها را فراهم کنند تا هم بهره‌وری اقتصادی حاصل شود و هم عدالت فردی رعایت گردد.

یکی از چالش‌های عمده در تدوین مقررات بین‌المللی، تعیین مرزهای قلمرو حقوق فردی در برابر سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ است (Gray, 1995, 168). همچنین، نشان می‌دهد که مالکیت و حق تصرف، حتی در چهارچوب حقوق عادلانه، محدود به مواردی است که فرد توان اعمال آن را داشته باشد و داده‌های دیجیتال، به دلیل قابلیت تکثیر و انتشار سریع، این کنترل را دشوار می‌کنند. این امر موجب شده است که حقوق بین‌الملل به دنبال ایجاد استانداردهای همگرا برای جلوگیری از سوءاستفاده و تجاوز به حریم خصوصی باشد (Clarke & Kohler, 2005, 70).

قراردادها و سیاست‌های داخلی هر کشور باید با قواعد بین‌المللی هماهنگ شود تا اطمینان حاصل شود که داده‌های شخصی به صورت مشروع مورد پردازش قرار می‌گیرند. به طور مشابه، در فقه اسلامی، رعایت حرمت ضرر و اجتناب از ظلم و تجاوز به حقوق دیگران، مبنایی برای حمایت از داده‌ها ارائه می‌دهد (انصاری، ۱۳۸۵، ۱۲۲-۱۲۸). علاوه بر این، پیاده‌سازی مقررات بین‌المللی نیازمند ابزارهای نظارتی و سازوکارهای اجرایی است تا شرکت‌ها و سازمان‌ها را به رعایت حقوق فردی ملزم

کند و از تبدیل داده‌های شخصی به ابزار سودجویی اقتصادی نامحدود جلوگیری شود (Beaglehole, 1931, 44). به این ترتیب، مقررات بین‌المللی می‌توانند زمینه‌ساز ایجاد توازن دقیق میان بهره‌برداری اقتصادی و حفاظت از حریم خصوصی شوند.

حفظ حریم خصوصی در سطح بین‌المللی مستلزم آن است که مفاهیم سنتی مالکیت با نیازهای جدید دیجیتال تطبیق یابند. (Constable et al., 2014, 12). نحوه تعامل فرد با دارایی‌های غیرمادی تحت تأثیر زمینه اجتماعی و امکان انتخاب قرار دارد و این امر در حقوق داده‌های دیجیتال اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا فرد باید بتواند کنترل فعال و آگاهانه بر داده‌های خود داشته باشد (Helling, 2004, 25). حقوق بین‌المللی باید حفاظت از داده‌ها را به گونه‌ای طراحی کنند که هم استقلال فرد و هم امنیت اقتصادی شرکت‌ها تأمین شود. در راستای تطبیق فقهی، اصل منع ضرر و حرمت تعرض به حقوق دیگران می‌تواند در تدوین قوانین بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۰، ۱۴۲). به علاوه، ایجاد مکانیسم‌های نظارتی مؤثر و شفاف، نقش کلیدی در اجرای مقررات بین‌المللی دارد و بدون این سازوکارها، تعهدات حقوقی صرفاً روی کاغذ باقی می‌مانند. از این منظر، مقررات بین‌المللی نه تنها محدود به چهارچوب قانونی بلکه شامل سازوکارهای نظارت و تعقیب قضایی نیز هستند تا حفاظت واقعی از داده‌ها صورت گیرد و حقوق فردی با منافع اقتصادی هماهنگ شود.

یکی از موضوعات مهم در حقوق بین‌الملل، تطبیق حقوق داده‌ها با حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است (زمانی و عطار، ۱۳۹۵، ۸۵). حق فراموش شدن و حفظ حریم خصوصی در عصر فناوری اطلاعات، به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین، باید در تدوین مقررات بین‌المللی مدنظر قرار گیرد. این حقوق، ارتباط نزدیکی با مالکیت داده‌ها و حفاظت از هویت دیجیتال دارد و نشان می‌دهد که داده‌های شخصی هم جنبه اقتصادی و هم جنبه اخلاقی و حقوق بشری دارند (Beaglehole, 1931, 55). همچنین، درک مفهوم مالکیت بدون توجه به بافت اجتماعی و اخلاقی ناقص است و این اصل در مقررات بین‌المللی برای داده‌های شخصی ضروری است (Rathi, 2021, 3862).

با بررسی تحلیلی مفهوم مالکیت، نشان داده می‌دهد که مالکیت داده‌ها، چه در قالب حقوق خصوصی و چه بین‌المللی، باید شامل کنترل، استفاده مشروع و حفاظت در برابر سوءاستفاده باشد (Gupta, 2021, 14). این مالکیت غیرمادی نیازمند استانداردهای روشن و قابل اجرا است تا از تضییع حقوق فردی جلوگیری شود. بنابراین، چهارچوب‌های بین‌المللی باید میان حفاظت از هویت فردی و منافع اقتصادی تعادل برقرار کنند و حقوق بشر را به‌عنوان مبنای اساسی در نظر گیرند.

در چهارچوب مقررات بین‌المللی، یکی از اصول اساسی، تطبیق و هماهنگی میان نظام‌های حقوقی مختلف برای ایجاد وحدت رویه در حفاظت از داده‌های شخصی است (Beaglehole, 1931, 66). همچنین، بر اهمیت نگاه اجتماعی به مالکیت تأکید می‌کند و بیان می‌دارد که بدون درک تأثیرات اجتماعی، مالکیت به‌ویژه مالکیت غیرمادی، نمی‌تواند به درستی اجرا شود (Clarke & Kohler, 2005, 78). همچنین، خاطر نشان می‌کنند که قوانین داخلی کشورهای مختلف باید با اصول بین‌المللی همسو باشند تا حقوق افراد در سطح جهانی تضمین شود. در این راستا، نظام‌های حقوقی با رویکرد ترکیبی که هم حقوق شخصیت و هم مالکیت اقتصادی را پوشش می‌دهند، توانسته‌اند سازگاری بیشتری با شرایط فناوری اطلاعات و داده‌های دیجیتال ایجاد کنند. از منظر فقهی، اصل جلوگیری از ظلم و رعایت حرمت حقوق دیگران، مشابه با این اصول بین‌المللی است و می‌تواند مبنایی برای هماهنگی قوانین ملی با مقررات جهانی باشد (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۰، ۱۵۰). این هماهنگی، ضمن ایجاد امنیت حقوقی برای افراد، به شرکت‌ها و نهادها نیز امکان بهره‌برداری مشروع و منصفانه از داده‌ها را می‌دهد.

یکی دیگر از موضوعات مهم، تعیین حدود مسئولیت نهادها و سازمان‌های جمع‌آوری‌کننده داده‌ها در سطح بین‌المللی است. (Constable et al., 2014, 15). نشان می‌دهند که مالکیت و حق استفاده از داده‌ها نیازمند چهارچوبی است که مسئولیت سازمان‌ها را مشخص کند و افراد را در برابر سوءاستفاده محافظت نماید (Beaglehole, 1931, 75). معتقد است که مالکیت غیرمادی، حتی وقتی قابلیت تکثیر دارد، نیازمند قواعد روشن برای جلوگیری از تجاوز به حقوق دیگران است. در مقررات

بین‌المللی و قوانین مشابه دیگر کشورها، به‌طور مشخص مسئولیت پردازش داده‌ها را برای سازمان‌ها روشن کرده‌اند و مکانیسم‌های جبران خسارت و رسیدگی قانونی در صورت تخلف را نیز تعیین کرده‌اند (Helling, 2004, 33). از دیدگاه حقوق تطبیقی، کشورهای با فرهنگ‌های حقوقی مختلف، با اتخاذ این استانداردها می‌توانند هم از منافع اقتصادی بهره‌مند شوند و هم حفاظت واقعی از حقوق فردی ارائه دهند. در فقه اسلامی نیز، مسئولیت و جلوگیری از ضرر، مبنای مناسبی برای تبیین این چهارچوب‌های بین‌المللی فراهم می‌آورد (انصاری، ۱۴۱۱ق، ۱۳۶).

مقوله دیگری که در مقررات بین‌المللی اهمیت ویژه‌ای دارد، موضوع دسترسی محدود و مشروع به داده‌ها است (Gupta, 2021, 20). همچنین، بیان می‌کند که دسترسی نامحدود سازمان‌ها به داده‌های شخصی، حتی با اهداف اقتصادی مشروع، می‌تواند منجر به تضییع حقوق فردی شود و امنیت روانی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد (Rathi, 2021, 3865). همچنین، در تحلیل تطبیقی خود نشان می‌دهد که استانداردهای بین‌المللی باید شامل محدودیت‌های روشن برای جمع‌آوری، ذخیره‌سازی و پردازش داده‌ها باشند تا بهره‌برداری مشروع و محافظت از حقوق فردی هم‌زمان تضمین شود (Beaglehole, 1931, 80) و (Constable et al., 2014, 18). همچنین، تأکید دارند که حقوق مالکیت غیرمادی، به‌ویژه داده‌ها، باید با چهارچوب‌های اجتماعی و حقوق بشری سازگار باشد تا از تجاوز به حریم خصوصی و سوءاستفاده اقتصادی جلوگیری شود. این اصل، ضمن تقویت اعتماد کاربران، به شرکت‌ها امکان می‌دهد فعالیت‌های اقتصادی خود را در چهارچوب قانونی و مشروع ادامه دهند و از بروز بحران‌های حقوقی جلوگیری شود.

می‌توان گفت که مقررات بین‌المللی حفاظت از داده‌های شخصی، بازتاب‌دهنده تلاش برای ایجاد توازن میان حقوق فردی و منافع اقتصادی است (Clarke & Kohler, 2005, 82). همچنین، بیان می‌کند که قوانین بین‌المللی باید منعطف، قابل اجرا و هماهنگ با تحولات فناوری باشند تا هم حقوق افراد و هم امنیت اقتصادی رعایت شود (Helling, 2004, 40). همچنین، تأکید می‌کند که این مقررات باید شامل استانداردهای روشن برای رضایت آگاهانه، اطلاع‌رسانی، محدودیت در پردازش و

مکانیسم‌های نظارتی و اجرایی باشند (Beaglehole, 1931, 90). همچنین، خاطر نشان می‌کند که مالکیت غیرمادی، اگرچه غیرقابل لمس است، اما نیازمند حفاظت مشابه اموال مادی است و می‌تواند پایه‌ای برای تدوین چهارچوب‌های بین‌المللی باشد. در نهایت، ترکیب آموزه‌های فلسفی، حقوق تطبیقی و مقررات بین‌المللی می‌تواند چهارچوبی منسجم و کارآمد برای حفاظت از داده‌های شخصی ارائه دهد، به گونه‌ای که ضمن احترام به کرامت انسانی، بهره‌برداری اقتصادی مشروع نیز امکان‌پذیر باشد (زمانی و عطار، ۱۳۹۵، ۹۲).

نتیجه

پژوهش حاضر نشان داد که مالکیت داده‌های شخصی در حقوق خصوصی، امروزه به یکی از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین مباحث حقوقی بدل شده است، زیرا داده‌ها هم نماینده حقوق شخصیت افراد هستند و هم به‌عنوان منابع اقتصادی ارزشمند برای شرکت‌ها و نهادها مطرح‌اند. داده‌های شخصی می‌توانند هم به‌عنوان حقوق شخصیت که مستقیماً با هویت، شرافت و آزادی‌های فردی مرتبط هستند و هم به‌عنوان مال غیرمادی که قابلیت بهره‌برداری اقتصادی و تجاری دارند، شناسایی شوند. تفکیک دقیق این دو جنبه و تعریف محدوده مالکیت و حقوق مرتبط با داده‌ها، برای ایجاد امنیت حقوقی و جلوگیری از سوءاستفاده، اهمیت حیاتی دارد.

تحلیل توازن میان حقوق فردی و منافع اقتصادی نشان داد که بدون چهارچوب‌های قانونی دقیق، داده‌های شخصی همواره در معرض بهره‌برداری ناعادلانه و نقض حریم خصوصی قرار می‌گیرند. قوانین داخلی و بین‌المللی با تأکید بر شفافیت، رضایت آگاهانه و محدودیت‌های استفاده، نمونه‌هایی از تلاش برای ایجاد این تعادل هستند. مالکیت داده‌ها باید هم شامل حق کنترل فرد و هم امکان بهره‌برداری مشروع اقتصادی برای نهادها باشد، تا امنیت حقوقی و اجتماعی تأمین شود. تجارب تطبیقی نشان می‌دهد که تدوین استانداردهای هماهنگ، شفاف و قابل اجرا، نه تنها موجب حفاظت از حقوق فردی می‌شود، بلکه اعتماد کاربران و امنیت اقتصادی را نیز تقویت می‌کند. ترکیب آموزه‌های

فلسفی، فقهی و حقوق تطبیقی می‌تواند به تدوین چهارچوب‌هایی منسجم برای مالکیت و بهره‌برداری از داده‌ها کمک کند، به گونه‌ای که هم حقوق فردی محترم شمرده شود و هم بهره‌برداری اقتصادی مشروع ممکن گردد.

از منظر اصول اخلاقی و اجتماعی، رعایت حقوق دیگران، منع سوءاستفاده و مسئولیت‌پذیری نهادها در جمع‌آوری و پردازش داده‌ها، از اصول کلیدی در حفاظت از داده‌ها است. تعیین محدودیت‌های شفاف برای بهره‌برداری اقتصادی و تضمین حق کنترل فرد، به تحقق توازن میان حق فردی و منافع اقتصادی کمک می‌کند و اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد. در نهایت، مالکیت داده‌های شخصی باید به‌طور هم‌زمان از منظر حقوق شخصیت و مالکیت غیرمادی بررسی شود و چهارچوب‌های قانونی، هم در سطح ملی و هم بین‌المللی، باید قابلیت تطبیق با تحولات فناوری و نیازهای اقتصادی را داشته باشند. این چهارچوب‌ها باید ضمن حفاظت از حریم خصوصی افراد، امکان بهره‌برداری مشروع از داده‌ها را برای شرکت‌ها و نهادهای اقتصادی فراهم آورند، تا تعادلی پایدار و منصفانه میان حقوق فردی و منافع اجتماعی و اقتصادی برقرار شود. تحقق این هدف تنها با همکاری میان‌رشته‌ای میان حقوق، فناوری و اقتصاد و همچنین هماهنگی میان نظام‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی امکان‌پذیر است. حفاظت از داده‌های شخصی نه تنها یک مسئله حقوقی، بلکه یک نیاز اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که باید با رویکردی جامع و هم‌زمان، حقوق فردی، امنیت داده‌ها و بهره‌برداری مشروع اقتصادی را تضمین کند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- ابراهیمی، محمد، ۱۴۰۲، **درآمدی بر حقوق اسلامی**، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.
- امامی، سیدحسن، ۱۴۰۳، **حقوق مدنی**، چاپ چهل و یکم، تهران، انتشارات اسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۴۰۱، **حقوق اموال**، چاپ هشتم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- جمشید سمعی، ۱۳۸۶، **متن، ترجمه و شرح کامل کفایه الاصول**، چاپ اول، اصفهان، انتشارات خاتم الانبیاء.
- حکمت‌نیا، محمود، ۱۳۸۳، مبانی نظری مالکیت فکری با تأکید بر فقه اسلامی، **رساله دکتری**، دانشگاه تربیت مدرس.
- زمانی، سیدقاسم و عطار، شیما، ۱۳۹۵، حقوق بشر و حق بر فراموش شدن در عصر فناوری‌های نوین اطلاعاتی، **فصلنامه حقوقی بین‌المللی**، شماره ۵۵.
- صفایی، سیدحسین و حسینی، سیداحسان، ۱۴۰۴، **دوره مقدماتی حقوق مدنی اشخاص و اموال**، چاپ سی و هفتم، تهران، انتشارات میزان.
- محقق داماد، سیدمصطفی؛ قنوتی، جلیل؛ وحدتی شبیری، سیدحسن؛ عبدی‌پور، ابراهیم، ۱۴۰۳، **حقوق قراردادها در فقه امامیه**، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات سمت.
- محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۴۰۴، **قواعد فقه بخش مدنی**، چاپ شصت و هشتم، تهران، انتشارات سمت.
- محمودی، اصغر، ۱۳۸۶، ویژگی‌های حقوقی قرارداد مجوز بهره‌برداری از مالکیت صنعتی، **رساله دکتری**، دانشگاه تربیت مدرس.
- موحد، محمدعلی، ۱۴۰۴، **در هوای حق و عدالت**، چاپ دهم، تهران، انتشارات کارنامه.
- میرحسینی، سیدحسن، ۱۴۰۳، **مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی**، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات میزان.
- هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، ۱۳۸۴، مالکیت فکری تأملاتی در مبنا و گستره، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۵۰ و ۵۱.

عربی

- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، **معجم مقاییس اللغة**، چاپ اول، قم، انتشارات مکتب‌الاعلام اسلامی.

- انصاری، مرتضی، ۱۴۱۱ق، **المکاسب**، چاپ اول، قم، انتشارات دارالذخائر.
- طباطبایی یزدی، سیدمحمد کاظم، ۱۳۷۰، **حاشیه المکاسب**، چاپ چهارم، قم، انتشارات اسماعیلیان.

لاتین

- Beaglehole, E., 1931, Property right: A study in social psychology. London: Allen & Unwin. 39.
- Clarke, A., & Kohler, P., 2005, Property law: Commentary and materials. Cambridge University Press.
- Carus, P., 1915, Kant's antinomies and their solution. *The Monist*, 25 (4).
- Friedman, M., 1971, *Capitalisme et liberté*. Ed. Robert Laffont S. A.
- Helling, A., 2004, Protection of persona in the EU and in the US: A comparative analysis. LLM Theses and Essays, University of Georgia.
- Constable, M., et al., 2014, Object ownership and action: The influence of social context and choice on the physical manipulation of personal property. *Experimental Brain Research*.
- Domingo, R., 2017, The law of property in ancient Roman law. *SSRN Electronic Journal*.
- Gray, K., 1995, Equitable property. *Current Legal Problems*, 48.
- Gupta, R., 2021, Lecture 2: Jurisprudence/Chapter: Ownership, 6th Semester.
- Hachette, C., 2001, What is intellectual property and how does it differ from other forms of property ownership? *Intellectual Property Law*, University of Aberdeen.
- Mckenna, M. P., 2005, The right of publicity and autonomous self-definition. *University of Pittsburgh Law Review*, 67.
- Rathi, D., 2021, Descriptive analysis of the concept of ownership. *International Journal of Law Management & Humanities*, 4 (3).
- Stanford, 2005, *Encyclopedia of philosophy*. [http://plato.stanford.edu/entries/rights/in the United States](http://plato.stanford.edu/entries/rights/in%20the%20United%20States). *Ad Americam*, 17.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.26- Winter 2026

Analysis of the Issuing Bank's Liability under the Law of Documentary Credits

Homayoun Mafi, Mohsen Raeisi

The Role of Artificial Intelligence in Improving Criminal Investigation Processes and Digital Evidence Analysis in the Iranian Legal System

Amirreza Mahmoudi, Zahra Rahnama

Revisiting Contractual Obligations in Conditions of High Inflation: an Analysis of Adjustment Capacities in Iranian Law

Shima Shakouri, Ghasem Nabizadeh Kebrya

Iranian Criminal Policy Pathology Regarding the Crimes of Rebellion, Moharebeh and Corruption on Earth in Light of the Concept of National Security and Political Stability of the Country

Ruhollah Sheikhi, Mohammad Momahmoodi

The Framework of Civil Liability Arising from High-Risk Recreational Activities: A Study of Escape Rooms

Rahim Mokhtari, Gholamhossein Keshavarz

Handling Intellectual Property Claims in the Iranian Legal System

Sayyed Mohammadbagher Haghayeghi, Mohammadreza Nasiri, Amirhasan Abolhasani

Criminological Analysis of Crimes in the Field of Cryptocurrencies: A Study of Common Frauds in Iran

Hossein Mahmoudi Tekanloo, Roya Asiaei

Preventive Strategies for the Crime of Rent-Taking in Iran's Criminal Policy with an Emphasis on Criminological Challenges and Gaps

Fazal Movahedi, Hamidreza Konari Zhadeh, Davoud Salmanpour

An Analysis of the Principle of Proportionality Between Crime and Punishment in the Structure of the International Criminal Court

Hasan Pirfalak, Tayebe Ghodrati Siyahmazgi

Agreement Between the Parties to the Contract in Determining the Evidence to Prove the Claim

Habibolah Abdollah Poor, Mahdi Shojayi

Performance of Criminal Courts in Crime Prevention: A Critical Criminology Perspective with Focus on Iran's Judicial System

Iraj Morvati, Naghmeh Farhood

The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions

Mahdi Gharedaqui, Masoud Sarfarazi Saleh

The End of Centralized Governance: an Analysis of the Emergence of Decentralized Governance in the Era of Block chain and Smart Contracts

Hadi Zare, Majid Vaziri

Comparative Analysis of Social Security Compensatory Protection for Bodily Injuries and the Scope of Eligible Victims in Iran and England

Zeinab Tari

Transfer of Lawsuits in the Iranian Legal System with Emphasis on Selected Provisions of the Deeds and Real Estate Registration Law

Amirreza Alitabar

The Position of Artificial Intelligence in the Field of Criminal Policymaking

Mahbobeh Talebi Rostami

Commitment to Data Security as a Commitment to Result or a Commitment to Means in Private Law

Sayyed Amirhasan Mostafavi

Criminal Liability of Technology Companies for Crimes Committed by Users

Vahid Kioumars

Civil Liability Arising from Automated Processing of Personal Data by Artificial Intelligence in Iranian and Afghan Law

(With a Look at International Documents)

Raziyeh Jafarzade, Vahid Hamidi, Mohammadreza Rashid

The Impact of Legal Awareness and Transparency on the Prevention and Reduction of Administrative and Financial Corruption

Sayyedeh Mahshid Miri Balajorshari

Ownership of Personal Data in Private Rights; from Personality Right to Intangible Property

Sina Youseffi

Civil Liability of the Physician and Robot Manufacturer in Robotic Surgeries: Iranian and English Legal Systems

Ebrahim Shiravanian

An Analysis of the Issue of Receiving Compensation for Delayed Payment from the Convict to the Government

Mohammadmahdi Rezvanifar, Zahra Salimi

Legal and Administrative Effects of Acquisition on the Registered Status of Real Estate in the Iranian Legal System

Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Varaste Bazghale

Economic Diplomacy and the Law of Private International Contracts; The Interaction of Politics and Law in Securing National Interests

Radmehr Rahmani Golafshan

Adoption of Artificial Intelligence-Driven Fraud Detection in Banking: The Role of Trust, Transparency, and Fairness Perception in Financial Institutions in Iran, the United Arab Emirates and Qatar

Abdolmajid Youseffi

Criminology of War in the Current Realities and the Need for its Development in Ukraine

Yasser Shakeri